



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2; Number: 3

A method of finding fallacies in anti-Shiite Wahhabi texts (focusing on the book "Usul Madhhab al-Shiite" and the fallacies of the position of explanation)

Abdollahi Ahmadi*, Ahmad Abedi Arani**, Ali alah Bedashti***

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2025.530682.1042>

Receipt: 2025/06/17 - Accepted: 2025/07/10

(30-56)



Abstract

Scholars who have critically engaged with Wahhabism have produced numerous works addressing and effectively refuting the fallacious arguments advanced by Wahhabi authors. Undeniably, the point of departure and foundation of all such writings lies in the identification of fallacies within Wahhabi texts. However, in most—if not all—of these critiques, the methodology for detecting fallacies has not been explicitly articulated. As a result, subsequent scholars have lacked a systematic approach for identifying such fallacies and avoiding entrapment in them.

This study seeks to fill that methodological gap by proposing a structured approach to fallacy identification. To achieve this, a three-stage analytical framework is introduced and tested using examples drawn from Qafari's work. The proposed stages are as follows:

- 1 .Isolating passages that are potentially fallacious;
- 2 .Distinguishing explanatory or interpretive statements from among the suspected passages;
- 3 .Assessing the conformity of each suspected passage with the formal definition of the relevant fallacy.

The findings of this research present a practical and straightforward method for detecting explanatory fallacies in Wahhabi writings. Since no comparable approach to fallacy analysis appears to have been previously undertaken, this study opens a new avenue for the critical examination of Wahhabi discourse.

Keywords: Method of finding fallacies, fallacies, Wahhabism, Qaffari, Book of Principles of the Shia Religion

*. PhD student, Department of Islamic Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University, Qom, Iran.
abdollahiahmadi24@gmail.com.

** .Associate Professor, Department of Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University, Qom, Iran. ahmadabedi@yahoo.com

***. Professor, Department of Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University, Qom, Iran.
A.allahbedashti@qom.ac.ir



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

پژوهشگاه الهیات و معارف اسلامی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگاه نشریه: <http://rahnama.isri.ac.ir>

سال دوم، شماره سوم

روش مغالطه‌یابی در متون ضدشیعی وهابیان (با تمرکز بر کتاب اصول مذهب الشیعه و مغالطات مقام تبیین)

عبدالهادی احمدی*، احمد عابدی آرانی**، علی اله‌باشتی***

Doi: 10.22034/gr.2025.530682.1042

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

(۳۰-۵۶)



چکیده

ناقدان وهابیت، متون فراوانی در نقد مغالطات وهابیان نگاشته و از عهده نقد و ابطال آنها به درستی برآمده‌اند. قطعاً آغاز و مبنای تمام این تألیفات یافتن مغالطه در آثار وهابیان است اما مسئله اینجاست که در اکثر (همه) نقدها، روش یافتن مغالطات تبیین نشده است تا دیگران نیز همان روش را پیموده و مغالطات را یافته و در دام آن نیفتند. این نوشته در پی ارائه همین امر مغفول یعنی روش مغالطه‌یابی است. برای رسیدن به این منظور یک روش سه مرحله‌ای پیشنهاد شد که در هر مرحله روش مذکور با شواهدی از کتاب قفاری، کاربردی‌سنجی شد. مراحل مذکور عبارت‌اند از: ۱. جداسازی مطالب مشکوک به مغالطه ۲. جداسازی مطالب مقام تبیین از بین مطالب مشکوک ۳. آزمون انطباق متن مشکوک بر تعریف هر مغالطه. حاصل این کار ارائه روشی ساده برای یافتن مغالطات مقام تبیین در متون وهابی بود. با توجه به اینکه چنین رویکردی به مغالطات در جای دیگری مشاهده نشده است، باید گفت این کار، بایی جدید در نقد متون وهابی است.

واژگان کلیدی: روش مغالطه‌یابی، مغالطه، وهابیت، قفاری، کتاب اصول مذهب الشیعه.

* دانشجوی دکتری، گروه کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
abdolhadiahmad24@gmail.com

** دانشیار گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.
ahmadabedi@yahoo.com

*** استاد گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.
A.allahbedashtii@gom.ac.ir

مقدمه

مسئله اصلی این پژوهش، فقدان روش‌شناسی نظام‌مند برای شناسایی مغالطات در متون ضد شیعی و هابیان است. از این رو سؤال اصلی آن است که با چه روشی می‌توان مغالطات مقام تبیین در متون ضد شیعی و هابی را شناسایی کرد؟ با وجود نقدهای متعدد بر آثار و هابی، اغلب این نقدها به جای ارائه روشی ساختاریافته برای کشف مغالطات، صرفاً به رد ادعاها یا تحلیل محتوا اکتفا کرده‌اند. این خلأ روش‌شناختی باعث شده است تا مخاطبان، به ویژه پژوهشگران نوپا، نتوانند به راحتی مغالطات را در متون مشابه تشخیص دهند و در دام استدلال‌های نادرست گرفتار می‌شوند. این مقاله با تمرکز بر کتاب «اصول مذهب الشیعه» اثر ناصر القفاری به عنوان نمونه شاخصی از متون و هابی، در پی حل این مسئله در بخشی از مغالطات (مغالطات مقام تبیین) است. با توجه به تأثیرات گسترده شبهات متون و هابی بر افکار عمومی و اعتقادات دینی از یک سو و تخصصی و مفصل بودن اغلب نقدها از سوی دیگر، به نظر می‌رسد ارائه یک روش عامه فهم، علمی، فراگیر و مختصر برای نقد و بررسی آن‌ها امری ضروری و لازم باشد (فرمانیان، ۱۳۹۹: ۴۸۸-۴۹۶). نوآوری اصلی این مقاله ارائه روش یافتن مغالطات مقام تبیین در متون و هابی (و غیر آن) است و به این سؤالات ذیل سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که:

- در مقام تبیین چه نوع مغالطاتی وجود دارد؟
- برای یافتن مغالطات مقام تبیین چه مراحل را باید پیمود؟
- آیا روش پیشنهادی قابل عملیاتی شدن و پیاده‌سازی است؟

۱. پیشینه

در مورد کتاب اصول مذهب الشیعه... قفاری و حتی مغالطات کتاب مذکور، نوشته‌های فراوانی می‌توان یافت که در ادامه فقط برخی از آنها که ارتباط بیشتری با موضوع این مقاله دارند ذکر خواهد شد؛ اما در مورد روش مغالطه‌یابی در متون و هابی یا در کتاب قفاری، هیچ پیشینه‌ای یافت نشد. گویا نگاه به مغالطات و هابیت و قفاری از این زاویه مغفول واقع شده است.

الف: مقاله بررسی و نقد منهج قفاری در کتاب اصول مذهب الشيعه، ابوالفضل قاسمی و فتح‌الله نجارزادگان، دو فصلنامه علمی تخصصی سلفی پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، (سال اول - شماره ۲)، ۲۰ صفحه، از ۷۵ تا ۹۴.

در این مقاله به پنج روش از روش‌های شبهه‌سازی مغالطی قفاری در قالب مثال‌ها و شواهدی اشاره شده است اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

ب: پایان‌نامه بررسی و نقد اشکالات کلامی احمد کاتب و دکتر قفاری پیرامون حدیث غدیر؛ جعفر اصفهانی، کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ۱۳۸۵، استاد راهنما، احمد عابدی، استاد مشاور: علی اله‌بداشتی، ۱۳۸۵.

در این پایان‌نامه چند نمونه از روش‌های شبهه‌سازی مغالطی بررسی شده است؛ از جمله مغالطه تقطیع، مغالطه تحریف، مغالطه کذب؛ اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

پ: پایان‌نامه بررسی و نقد دیدگاه قفاری درباره جایگاه ائمه علیهم‌السلام در مکتب تشیع (فصل اول از باب دوم از کتاب اصول مذهب الشيعه)، عبدالمؤمن امینی، کارشناسی ارشد جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۸.

در این پایان‌نامه نیز چند نمونه از روش‌های شبهه‌سازی مغالطی بررسی شده است اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

ت: مقاله إشکالیات حول التراث الشيعی الحدیثی، وقفتان مع الدكتور ناصر القفاری، فتح‌الله نجارزادگان، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۳۸۱.

نویسنده مقاله مدعی است این مقاله برای نقد دو مغالطه قفاری نوشته شده است؛ اما باید گفت بیشتر نقد دو شبهه است که نویسنده منشأ آن را مغالطات قفاری می‌داند؛ اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

ث: مقاله زمان و خاستگاه پیدایش تشیع، بررسی و نقد مدعای قفاری، نویسنده مسئول قاسم جلائی، نویسنده، محمدحسن نادم، مجله: شيعه پژوهی، بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۲۲ رتبه علمی-پژوهشی (۲۶ صفحه - از ۲۳۰ تا ۲۵۵).

در این مقاله فقط به یک روش شبهه‌سازی قفاری که روش مغالطه دلیل نامربوط است اشاره‌ای دارد؛ اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

ج: مقاله مغالطات ناصر القفاری در نقد عقاید شیعه در باب عصمت امام، نویسنده مسئول علی خلیجی، نویسنده محمدحسن نادم، مجله: شیعه پژوهی، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، شماره ۲۱ رتبه علمی-پژوهشی (۱۹ صفحه - از ۷۲ تا ۹۰).

در این مقاله فقط به سه روش از روش‌های شبهه‌سازی مغالطی دکتر قفاری اشاره شده است، اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

چ: کتاب توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت: بررسی و نقد افتراءات دکتر قفاری بر مذهب شیعه؛ احمد عابدی، تهران، مشعر، ۱۳۹۰.

در این کتاب در ۸ مورد به برخی مغالطات به کاررفته در کلام قفاری اشاره‌ای دارد، اما اشاره‌ای به روش یافتن این مغالطات نشده است.

همان طور که گفته شد، گرچه آثار بسیار ارزشمندی در مورد مغالطات قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعه... تألیف شده است اما هیچ کدام پیشینه خاص برای موضوع این مقاله نیستند.

۲. مفاهیم

در ادامه برخی از مفاهیم به کاررفته در این مقاله تعریف و تبیین خواهد شد.

۲-۱. مغالطه

تعاریف فراوانی برای مغالطه ذکر شده است (خندان، ۱۳۸۴: ۲۲-۳۵).^۱ محدودترین تعریف مغالطه آن است که گفته‌اند: «قیاسی است مرکب از وهمیات یا مشبهات» (صلیبا، ۱۳۹۳: ۱۹۲). تعریف دیگر این است که مغالطه قیاس فاسدی است که منتج به نتیجه نباشد و فساد آن یا از جهت ماده است یا صورت و یا هر دو (شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۳۶؛ طوسی، ۱۳۲۶: ۵۱۸). تعریف کلی تری نیز وجود دارد که در آن انواع خطاها و آشفتگی‌هایی که

۱. به خاطر عدم ورود به مباحث تخصصی منطق و عدم انحراف از موضوع اصلی مقاله، در مباحث مربوط به علم منطق به کتاب مغالطات نوشته علی اصغر خندان اکتفا می‌شود.

کم‌وبیش مرتبط با خطای در استدلال است نیز به معنای وسیع کلمه مغالطه نامیده می‌شود (ادواردز، ۱۹۷۲: ۱۶۹-۱۷۰). طبق این تعریف وقوع مغالطات را می‌توان در حوزه عالم استنتاج در نظر گرفت، به این معنا که شخص با مقدمات یا بدون مقدمات، از راه‌های منطقی یا غیر آن و به‌صورت معتبر یا غیر معتبر، بخواهد صدق یا کذب گزاره‌ای را نتیجه بگیرد، به‌ویژه این‌که بخواهد در مقام تفهیم یا تأثیرگذاری، مدعا یا محتوای گزاره‌ای را به افراد دیگر منتقل نماید؛ چنین نتیجه‌گیری با گذر استنتاجی چیزی است که متصف به مغالطی بودن می‌شود (ادواردز، ۱۹۶۹: ۱۹۷۲-۱۷۰). در این مقاله منظور از مغالطه تعریف اخیر است که عام‌ترین تعریف بوده و همه شگردهای قفاری برای حق جلوه دادن باطل و باطل جلوه دادن حق را شامل می‌شود. گفتنی است در یک تقسیم‌بندی کلی، مغالطات به پنج دسته تقسیم شده‌اند: ۱. مغالطات مقام تبیین؛ ۲. مغالطات ادعاهای بدون استدلال؛ ۳. مغالطات مقام نقد؛ ۴. مغالطات مقام دفاع؛ ۵. مغالطات در استدلال (خندان، ۱۳۸۴: ۲۲-۳۵). در این نوشته فقط مغالطات مقام تبیین بررسی می‌شود و منظور از این مغالطات، مغالطاتی است که در هنگام توضیح و بیان یک مسئله، موضوع، واقعه و... واقع می‌شود.

۲-۲. وهابیت

وهابیت امتداد مکتب فکری ابن تیمیه است. ابن تیمیه در قرن هفتم مکتبی را بنیان نهاد که شاخصه اصلی آن تبعیت از سلف صالح (مسلمانان سه قرن اول) بود و بعدها سلفیه نامیده شد. این مکتب چندین قرن رونقی نداشت. قرن دوازدهم، چند جریان با الهام از این مکتب، شکل گرفت که وهابیت یکی از آنها بود. بنیان‌گذار وهابیت محمد بن عبدالوهاب است (اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ج ۱، مدخل ابن عبدالوهاب؛ علیزاده موسوی، بی‌تا: ۱۳۹۳: ۱۹۳-۲۳۰). او در سال ۱۱۱۵ در شهر عَیْنَه از توابع نجد در عربستان به دنیا آمد. فقه حنبلی را در زادگاه خود آموخت. سپس رهسپار مدینه منوره شد و در آنجا به تحصیل حدیث و فقه پرداخت (بن باز، ۱۳۸۵: ۳). او پس از مرگ پدرش درعیه را برای اقامت برگزید که محمد بن سعود (جد آل سعود) بر آن حکومت می‌کرد. این درواقع آغاز تاریخ خونین وهابیت بود (امین، بی‌تا: ۱۳-۳۴).

۲-۳. کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه

همان طور که در معرفی قفاری از دو دیدگاه متفاوت استفاده شد، در معرفی کتاب او نیز از دو دیدگاه متفاوت بهره خواهیم برد.

۲-۳-۱. کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه از نگاه موافقان

آنچه در اینجا می آید مختصری در مورد کتاب مذکور است که در مقدمه کتاب «نقد و بررسی اصول و عقاید شیعه دوازده امامی» آمده است:

یکی از مهم ترین کتاب هایی که در سده های اخیر در زمینه نقد عقاید شیعه دوازده امامی منتشر شده است، کتاب حاضر است. این اثر، در اصل پایان نامه دکترای استاد ناصر القفاری بوده است. وی سال های مدیدی از عمر خود را صرف نقد و تحلیل عقاید شیعه غالی و تبیین سازوکار تشکیلات رافضیان کرده است...؛ این کتاب، هم اکنون یکی از منابع درسی دانشگاهی در بسیاری از دانشگاه های علوم اسلامی در جهان اسلام است. آنچه این کتاب را از آثار هم طرازش متمایز می سازد، گستردگی مطالب و طیف موضوعاتی است که دکتر قفاری به آنها پرداخته است. نویسنده فاضل و دانشمندش، تمام مبانی عقیدتی شیعه را بررسی نموده و از هیچ موردی فروگذار نکرده است؛ دیگر آنکه برای اثبات نادرستی عقاید شیعه غالی، در بسیاری موارد از تناقضات حدیثی و تفسیری آنان استفاده کرده است (مؤسسه موحدین، ۱۴۳۸، ج ۱: ۲-۱۰).

۲-۳-۲. کتاب اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه از نگاه مخالفان

در اینجا معرفی مختصری از کتاب مذکور که توسط برخی از ناقدان کتاب «اصول مذهب الشیعه...» انجام شده است بازگو می شود:

این کتاب از چند جهت با دیگر کتاب هایی که در صدد وارد ساختن اشکال و شبهه به مذهب شیعه بوده اند اختلاف اساسی دارد؛ که از جمله آنها می توان موارد زیر را برشمرد:

۱- در قالب رساله و پایان نامه ای دانشگاهی و در مقام بیان مسائل مهم اختلافی میان دو مذهب شیعه و سنی عرضه گردیده و از این جهت دارای اهمیت و حساسیت بسیار فراوانی گردیده است.

۲- به موضوعاتی فراتر از مسائل صرفاً اعتقادی پرداخته است؛ وارد پاره‌ای از موضوعات فقهی، اصولی، حدیثی، تاریخی و غیره نیز شده است.

۳- این کتاب با سایر کتاب‌ها از حیث وارد شدن در گستره وسیعی از روایات و نصوص روایی متفاوت است؛ به شکلی که به ذهن خواننده این‌گونه متبادر می‌شود که گویا این کتاب توسط گروهی از محققان و نه يك شخص گردآوری شده است (حسینی قزوینی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۵۳).

۳. مغالطات مقام تبیین

در مقام تبیین، مغالطات زیادی امکان وقوع دارد که مهم‌ترین آنها معرفی خواهد شد: مغالطه اشتراک لفظ: استفاده از یک لفظ مشترک در جمله به طوری که شنونده یا خواننده معنایی مغایر بامعنای موردنظر گوینده را از آن درک کند و یا اینکه اساساً گوینده در مورد تعدد معانی تعمد داشته باشد و بخواهد در شرایط مختلف مدعی یکی از آن معانی شود (خندان، ۱۳۸۴: ۴۵-۵۲).

مغالطه ابهام ساختاری: این مغالطه هنگامی رخ می‌دهد که در جمله از کلمات، ضمایر و علائم نگارشی به صورتی استفاده شود که موجب خطای در فهم شود (همان: ۵۳-۵۶). مغالطه ترکیب مفصل: گاهی دو جمله به‌طور مجزا هر دو صادق هستند اما اگر آنها را در قالب یک جمله ترکیب کنیم، این جمله کاذب خواهد شد در این صورت مغالطه ترکیب مفصل رخ خواهد داد (همان: ۵۷).

مغالطه تفصیل مرکب: این مغالطه درست برخلاف مغالطه ترکیب مفصل است؛ به این صورت که ما یک حکم مرکب را به‌صورت جدا بیان کنیم (همان: ۵۷). مغالطه واژه مبهم: استفاده از واژه‌های غیرمعین و مبهم (صفات نسبی، کمیات نامعین و...) در کلام که قابلیت تفسیرهای گوناگون دارند برای فرار از واقعیت باعث مغالطه واژه مبهم می‌شود (همان: ۵۸).

مغالطه گزاره‌های بدون سور: عدم ذکر سور فی نفسه مغالطه نیست؛ اما اگر کسی سور قضیه را ذکر نکند تا به‌این ترتیب حکم بعض را به همه سرایت دهد و از سوی دیگر مورد نقد هم قرار نگیرد مرتکب مغالطه شده است (همان: ۶۲).

مغالطه سورهای کلی نما: در مغالطات بدون سور، سوری ذکر نشده بود تا کلیت رسانده شود، اما در اینجا از سورهایی استفاده می‌شود که مبهم هستند. ابهام آنها بدین صورت است که یک حالت محدود و غیر کلی را بیان کند، اما طرز بیان و ساختار گزاره طوری است که حالت کلی و ادعای فراگیر به ذهن تبادر پیدا می‌کند (همان: ۶۴-۶۶).

مغالطه کنه و وجه: یک صفتی را که ملازم یک وجود است، ذات و کنه آن در نظر بگیریم؛ (معرفی یک صفت یا یک جنبه خاص از یک پدیده به‌عنوان ذات و اساس آن). نام دیگر این مغالطه «هیچ نیست به جز» (الف لیس الا ب)، (الف فقط ب است) می‌باشد (همان: ۶۸-۷۰).

مغالطه علت جعلی: معرفی امری که علت نیست یا بخش کوچکی از علت است به‌عنوان علت اصلی. این نوع مغالطه دو قسم دارد:

الف- یک چیزی را که علت نیست معرفت کنیم (علت ذهنی و اثباتی یا علت حقیقی و ثبوتی).

ب- در امری که چندین علت دارد، یک علت را تعمیم دهیم و علت تامه معرفت کنیم (همان: ۷۰-۷۲).

مغالطه بزرگ‌نمایی: یعنی برجسته کردن یک قسمت سخن و استفاده به نفع خود از آن؛ به عبارت دیگر جلوه دادن جنبه یا جنبه‌های خاصی از یک واقعیت به صورت بزرگ‌تر و مهم‌تر از آنچه که هست. شیوه دیگر این مغالطه این است که مطلب مورد نظر با عبارات مختلف و از جوانب مختلف چنان بیان شود که بزرگ‌تر و مهم‌تر جلوه کند (همان: ۷۲-۷۵).

مغالطه کوچک‌نمایی: در این مغالطه فرد سعی می‌کند با بی‌اهمیت نشان دادن مطلبی، آن را کوچک و کم‌ارزش نشان دهد (همان: ۷۵-۷۶).

مغالطه دروغ: دروغ منطقی مطابقت نداشتن خبر با واقعیت است و مغالطه دروغ این‌گونه است که شخص به دروغ مدعی گزاره نادرستی می‌شود و در فرایند استدلال خود از آن گزاره استفاده می‌کند که طبعاً نتیجه اخذشده از این استدلال نادرست است (همان: ۸۹-۹۲).

مغالطه نقل قول ناقص: اگر فرد فقط قسمتی از یک متن را که از آن نفع می‌برد نقل کند به گونه‌ای که آن قسمت مفهومی غیر از آنچه مقصود گوینده است برساند، مرتکب مغالطه نقل قول ناقص شده است (همان: ۹۴-۹۸).

مغالطه تحریف: یعنی دخل و تصرف در کلام شخصی (خصوصاً اگر فرد مهمی باشد) به نفع و منفعت خود. تحریف گاهی لفظی است مثلاً حذف یا اضافه کردن یک کلمه به کلام شخص و یا تحریف معنوی یعنی دخل و تصرف در محتوای یک کلام (برخلاف نقل قول ناقص که تصرف در اصل کلام بود و گزینش بخشی از کلام بود) (همان: ۹۸-۱۰۳).

مغالطه تفسیر نادرست (تفسیر به رأی): مغالطه تفسیر نادرست هنگامی است که فرد سخنی را به گونه‌ای غیر از واقع خود تفسیر کند؛ به عبارت دیگر تفسیر یک سخن مغایر با اغراض گوینده و موافق با اغراض شخص مغالط است (همان: ۱۰۷-۱۱۲).

۴. مراحل مغالطه‌یابی مغالطات مقام تبیین

ممکن است راه‌های زیادی برای یافتن مغالطات مقام تبیین، قابل تصور باشد اما آنچه به ذهن نگارنده رسید و به نظر مفید و مؤثر می‌آید، مغالطه‌یابی مبتنی بر تعریف هر مغالطه است. با این توضیح یک روش سه مرحله‌ای برای مغالطه‌یابی پیشنهاد می‌شود که دو مرحله نخست مقدمه و مرحله سوم، اصل و اساس این روش پیشنهادی است.

۴-۱. مرحله اول: جداسازی مطالب مشکوک به مغالطه

در مرحله اول باید جملاتی که احتمال وجود مغالطه در آنها وجود دارد متمایز شوند. روش پیشنهادی این است که هنگام مطالعه متن، تمام مواردی که احساس می‌شود با عقاید و اندیشه‌های شیعه به نوعی تعارض دارند مشخص شود، مثلاً با مداد زیر آنها خط کشیده شود. با توجه به اینکه قریب به اتفاق شیعیان آشنایی اجمالی با باورهای شیعه دارند، معمولاً تشخیص اینکه یک سخن با اندیشه‌های شیعه تعارض اجمالی دارد یا نه برای اکثر شیعیان چندان مشکل نیست.

۴-۲. مرحله دوم: جداسازی مطالب مقام تبیین

پس از اینکه در مرحله اول جملات مشکوک شناسایی شد، در این مرحله (با توجه به محدوده موضوع مقاله) باید از بین آن جملات، مطالب مقام تبیین را مشخص کرد؛ منظور از مطالب مقام تبیین، همه مطالبی است که نویسنده وهابی (قفاری) در صدد تبیین و توضیح موضوع یا مسئله‌ای است. مثلاً واقعه تاریخی را تبیین می‌کند یا موضوع فقهی را توضیح می‌دهد یا عقیده شیعه در فلان مورد را بیان می‌کند و....

با توجه به مشاهدات اجمالی نگارنده در کتاب مذکور، بیش از یک پنجم مطالب مشکوک، مربوط به مغالطات مقام تبیین است. بقیه موارد ممکن است یکی دیگر از انواع مغالطات باشد که خارج از بحث این مقاله است؛ مانند مغالطات ۱. مقام ادعا (های بدون استدلال) ۲. مقام نقد ۳. مقام دفاع ۴. مقام استدلال.

۴-۳. مرحله سوم: آزمون انطباق تعریف هر مغالطه بر متن مشکوک

سومین مرحله که مفصل‌ترین مرحله است، تعیین مغالطی بودن یا نبودن متن مذکور و تعیین دقیق نوع مغالطه است. روش پیشنهادی برای این کار، استفاده از تعریف هر یک از مغالطات مقام تبیین است؛ در واقع، تعاریف مغالطات، ماهیت مغالطات را مشخص می‌کنند و ما با آزمون تطبیق مطالب مشخص شده بر این ماهیات، مغالطی بودن یا نبودن آن مطالب را می‌سنجیم. برای این کار باید تک تک جملات مذکور بر تعاریف مغالطات مقام تبیین عرضه شود. اگر یکی از تعاریف بر مطلب قفاری منطبق بود، آن مطلب مصداقی از همان مغالطه است. باید توجه داشت که ممکن است یک مطلب مصداق چندین مغالطه باشد، پس باید هر مطلب بر تعاریف همه مغالطات عرضه شود. گفتنی است ممکن است در نگاه اول این کار بسیار زمان‌بر و خسته‌کننده به نظر آید اما تجربه شخصی نشان داده است که با اندکی تمرین، این کار بسیار سریع و در اندک زمانی قابل انجام است. در ادامه روش عرضه این مطالب مشکوک به مغالطی بودن بر تعاریف، ذکر خواهد شد.

گام اول: با توجه به تعریف مغالطه اشتراک لفظی

باید به وحدت معانی الفاظ در مقدمات و نتایج کلام گوینده دقت شود. اگر معانی الفاظ

یکی نبود «مغالطه اشتراک لفظ» انجام شده است. در استقرائی که انجام شد، بیش از ۴۰۰ نمونه از این نوع مغالطه در کتاب قفاری یافت شد.

گام دوم: با توجه به تعریف مغالطه ابهام ساختاری

باید در وحدت معانی جملات در کلام دقت شود. اگر معانی یکی نبود و از یک کلام با توجه به نوع ضمائر و علائم نگارشی و... معانی متفاوتی قابل برداشت بود، به احتمال زیاد «مغالطه ابهام ساختاری» انجام شده است. معمولاً در چنین مواردی یک معنی قابل دفاع است و معنی دیگر مستندی ندارد و قابل دفاع نیست. در این کتاب استفاده از این نوع مغالطه زیاد نیست.

گام سوم و چهارم: با توجه به تعریف «مغالطه ترکیب مفصل» یا «تفصیل مرکب»

باید در جملات مرکب که دارای چند موضوع یا چند حکم هستند، در رابطه هر موضوع با حکمش و رابطه هر حکم با موضوعش دقت شود اگر رابطه درست نبود، «مغالطه ترکیب مفصل» یا «تفصیل مرکب» است.

گام پنجم: با توجه به تعریف «مغالطه واژه مبهم»

باید همه واژگان مبهم در جملات مشخص شده و سپس مورد بررسی قرار گیرند، اگر از این واژگان درست استفاده نشده بود، «مغالطه واژه مبهم» است. نمونه‌های نسبتاً زیادی از این نوع مغالطه در این کتاب مشاهده شد.

گام ششم: با توجه به تعریف «گزاره‌های بدون سور»

باید تمام گزاره‌های بدون سور بررسی شوند، اگر هدف از ذکر نکردن صور، کلیت و تعمیم بود، در مواردی که کلیت ندارد، «مغالطه گزاره‌های بدون سور» است. آنچه مشاهده شد استفاده نسبتاً زیاد از این نوع مغالطه در کتاب مذکور است.

گام هفتم: با توجه به تعریف «مغالطه سورهای کلی‌نما»

همه سورهای کلی‌نما بررسی شوند اگر هدف از آنها تعمیم بود نه بیان واقعیت، «مغالطه سورهای کلی‌نما» است؛ بنابراین در مقام پاسخ، باید این تعمیم غیرواقعی تبیین شود. آنچه مشاهده شد استفاده نسبتاً زیاد از این نوع مغالطه در این کتاب است.

گام هشتم: با توجه به تعریف مغالطه کنه و وجه

مغالطی دانستن تمام موارد ادعای «پدیده الف چیزی نیست جز ب» (مغالطه کنه و وجه)؛ بنابراین در مقام پاسخ، باید غیرواقعی بودن تمام موارد این چنینی تبیین شود. گرچه نمونه‌های زیادی از این نوع مغالطه در این کتاب مشاهده نشد اما چندان هم محدود نبود.

گام نهم: با توجه به تعریف مغالطه علت جعلی

تمام مواردی که گوینده ادعای وجود روابط علی و معلولی یا انحصار علیت بین پدیده‌ها را دارد، بررسی شود، اگر رابطه ادعایی وجود نداشت، «مغالطه علت جعلی» است؛ بنابراین در مقام پاسخ، عدم وجود رابطه باید تبیین شود. نمونه‌های زیادی از استفاده قفاری از این نوع مغالطه مشاهده شد.

گام دهم و یازدهم: با توجه به تعریف مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی

تمام موارد کوچک یا بزرگ‌نمایی بررسی شود. اگر غیرواقعی بود، «مغالطه بزرگ‌نمایی» یا «مغالطه کوچک‌نمایی» است؛ بنابراین در مقام پاسخ، باید غیرواقعی بودن کوچک یا بزرگ‌نمایی تبیین شود. نمونه‌های زیادی از استفاده قفاری از این نوع مغالطه مشاهده شد.

گام دوازدهم: با توجه به تعریف مغالطه دروغ

باید صحت تطابق هر ادعایی با واقع را بررسی کرد، هرگونه عدم تطابق نشانه مغالطه دروغ است.

نمونه‌های این مغالطه آن قدر زیاد است که فقط در مقدمه کتاب قفاری بیش از ۱۵ نمونه یافت شد.

گام سیزدهم: با توجه به تعریف «مغالطه نقل قول ناقص»

باید تمام نقل‌قول‌ها بررسی شود. اگر نقصی بود «مغالطه نقل قول ناقص» است.

گام چهاردهم: با توجه به تعریف «مغالطه تحریف»

باید تمام مواردی که قفاری مطلبی از بزرگان نقل می‌کند، موردبررسی قرار گیرد اگر حذف یا اضافه‌ای (تحریف لفظی) انجام شده بود یا در محتوای کلام دخل و تصرف شده بود

(تحریف معنوی)، مغالطه تحریف انجام شده است. طبق آنچه مشاهده شد، استفاده قفاری از این نوع مغالطه نیز نسبتاً زیاد است.

گام پانزدهم: با توجه به تعريف «تفسیر نادرست»

باید همه شروع و تفاسیر کلام بزرگان که توسط قفاری انجام شده بررسی شود، اگر ناسازگار با باورهای ما بود، به احتمال زیاد مغالطه «تفسیر نادرست» است. این نوع مغالطه یکی از مغالطاتی است که قفاری زیاد استفاده کرده است.

۵. پیاده‌سازی روش مغالطه‌یابی

در مباحث قبلی روش مغالطه‌یابی تبیین شد اما برای توضیح بیشتر، روش مذکور در قالب نمونه‌هایی پیاده‌سازی خواهد شد.

۵-۱. نمونه اول: ادعای تعارض حجیت قرآن با مفسر بودن ائمه علیهم‌السلام

قفاری می‌گوید: «أولاً «لمذهبهم فی حجیة القرآن و خروجهم فی هذا الأمر عما أجمع علیه المسلمون، وذلك بقولهم: إن القرآن لیس بحجة إلا بقیمة (هو أحد الاثنی عشر)» (القفاری، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۲۵). ابتدا به دیدگاه آنان در مورد حجیت قرآن و خروج آنها از اجماع مسلمین می‌پردازیم؛ زیرا شیعیان ادعا می‌کنند که قرآن، بدون وجود قیم - یعنی یکی از دوازده امام - حجت نیست.

۵-۱-۱. روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای ناسازگاری اجمالی این کلام قفاری با اندیشه‌های شیعه را احساس می‌کند. پس کلام مشکوک به مغالطه است.

مرحله دوم: قفاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد حجیت قرآن است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام اول: قفاری از دو معنی متفاوت برای یک کلمه در مقدمات و نتیجه استفاده کرده است. در اینجا «قیم قرآن» حداقل با دو معنی استفاده شده است:

صغری: شیعه می‌گوید: «قرآن نیاز به قیم دارد» (قیم یعنی کسی که مفسر قرآن است و

فهم علوم قرآن متکی به اوست. ذیل روایت شیعه همین معنی را تأیید می‌کند (تجلیل، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴-۱۶)؛ این معنی صحیح است.

کبری: هرکسی که نیاز به قیم دارد محجور است (قیم به معنی سرپرست برای محجورین) (مجلس شورای ملی، ۱۳۱۴ مستفاد از مواد ۱۱۸۰، ۱۱۸۵، ۱۲۱۸ و...)؛ که این معنی اشکالات زیادی را متوجه روایت می‌کند؛ نتیجه اینکه شیعه می‌گوید: قرآن محجور (نیازمند سرپرست) است. این نتیجه به دلیل عدم وحدت معنی در حد وسط (قیم) مغالطه اشتراک لفظی بوده و باطل است.

گام دوم: ساختار جمله باعث برداشت دو معنی متفاوت از این جمله نشده است؛ پس مغالطه ابهام ساختاری نیست.

گام سوم و چهارم: این جمله مرکب نیست و حمل احکام بر موضوعات صحیح است و هر موضوعی بر حکم خودش حمل شده است؛ پس مغالطه ترکیب مفصل و تفصیل مرکب نیست.

گام پنجم: واژه مبهمی در این جمله استفاده نشده است؛ پس این کلام مصداق مغالطات واژه مبهم نیست.

گام ششم: قفاری کلام را بدون سور کلی یا جزئی آورده است و این باعث شده است که چنین تصور شود که همه شیعیان چنین باوری دارند؛ پس این کلام مصداق مغالطه گزاره‌های بدون سور نیز است.

گام هفتم: در این جمله از سور کلی نما استفاده نشده است؛ پس این کلام مصداق مغالطه سورهای کلی نما نیست.

گام هشتم: از قالب (الف چیزی نیست جز ب) استفاده نشده است؛ پس این کلام مغالطه کنه و وجه نیست.

گام نهم: در این کلام، قفاری وجود یک روایت را علت تامه برای وجود یک عقیده (محجور بودن قرآن) قرار داده است؛ درحالی که صرف وجود یک روایت نمی‌تواند علت وجود یک عقیده باشد؛ پس این کلام قفاری مصداق مغالطه علت جعلی است.

گام دهم و یازدهم: بزرگ‌نمایی نگاه منفی شیعه به قرآن (در نظر قفاری) و کوچک‌نمایی باور شیعه به قرآن در این کلام مشهود است؛ پس این کلام قفاری مصداق مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی است.

گام دوازدهم: خلاف واقع بودن انتساب این عقیده به شیعه نیز واضح است؛ پس این کلام مصداق مغالطه دروغ نیز هست.

گام سیزدهم: قفاری فقط بخشی از روایت که معنی موردنظر خودش را می‌فهماند ذکر کرده و بخش دوم روایت که خلاف آن معنی را نشان می‌دهد حذف کرده است؛ پس این کلام مصداق مغالطه نقل قول ناقص نیز هست.

گام چهاردهم: در این کلام حذف یا اضافه لفظ، یا تغییر محتوی صورت نگرفته است؛ پس این کلام مصداق مغالطه تحریف نیست.

گام پانزدهم: قفاری تفسیری از این روایت ارائه می‌دهد که مغایر عقاید شیعه (نیاز به مفسر داشتن قرآن) و مطابق خواسته خود اوست (محجور بودن قرآن)؛ پس این کلام مصداق مغالطه تفسیر نادرست است.

نتیجه: این کلام قفاری مغالطه اشتراک لفظی، گزاره‌های بدون سور، علت جعلی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، دروغ، نقل قول ناقص و تفسیر نادرست است.

۵-۲. نمونه دوم: ادعای متفاوت بودن اصول دین شیعه با توجه به مسئله امامت

قفاری می‌گوید: «الباب الثالث: أصولهم ومعتقداتهم (الأخرى) التي تفردوا بها» (القفاری، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۴۹) باب سوم: اصول و عقاید (دیگری) که ویژه شیعه است.

۵-۲-۱. روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای اجمالاً می‌داند که توحید، ایمان و... نزد شیعه با سایر مسلمین فرقی ندارد؛ پس ادعای متفاوت بودن توحید و ایمان و... شیعه، بوی مغالطی بودن می‌دهد.

مرحله دوم: قفاری در مقام بیان عقاید شیعه است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام اول: در این کلام از معانی متفاوت یک کلمه استفاده نشده است؛ پس مغالطه اشتراک لفظی نیست. (البته اگر موشکافانه بررسی شود ممکن است بتوان این کلام

را مصداق مغالطه اشتراک لفظی نیز دانست چون اصول در این جمله با دو معنی متفاوت اصطلاحی و لغوی استفاده شده است).

گام دوم: قفاری کلمه (الأخری) را درون پرانتز قرار داده که باعث ابهام ساختاری شده و دو معنی متفاوت از جمله را می‌رساند:

الف: اگر داخل پرانتز را مثل بقیه کلمات جمله به حساب آوریم معنی جمله چنین می‌شود: «بقیه اصول و معتقداتی که فقط شیعه به آنها قائل است»؛ یعنی هم آنچه قبلاً ذکر شد و هم آنچه الآن ذکر می‌شود جز عقایدی است که فقط شیعه به آنها قائل است؛ به عبارت دیگر حتی توحید و ایمان و... که در فصل قبل ذکر شد نیز مختص شیعه است و با توحید و ایمان و... سایر مسلمانان متفاوت است. البته با توجه به اینکه مباحث قبلی (توحید، ارکان ایمان،...) مختص شیعه نیست و ادعای اختصاص مباحث قبلی همچون مباحث جدید (امامت، رجعت،...) به شیعه، قفاری را در معرض نقدهای جدی قرار می‌دهد و از سوی دیگر قفاری نمی‌خواهد از ادعایش مبنی بر خروج شیعه از اجماع مسلمین، دست بردارد؛ لذا متوسل به ابهام ساختاری شده تا معنای دومی که به صحت نزدیک تر است هم به کلام اشراک کند تا هنگام نقد معنای اول، به آن معنای دوم پناه ببرد.

ب: اما اگر داخل پرانتز را جدا در نظر بگیریم معنی دوم جمله می‌شود «اصول و معتقداتی که فقط شیعه به آنها قائل است»؛ یعنی مباحث قبلی اختصاصی شیعه نبود اما این مباحث اختصاصی شیعه است؛ پس این کلام قفاری مغالطه ابهام ساختاری است.

گام سوم و چهارم: این جمله مرکب نیست؛ پس مغالطه ترکیب مفصل و تفصیل مرکب نیست.

گام پنجم: واژه مبهمی در این جمله استفاده نشده است؛ پس این کلام مصداق مغالطه واژه مبهم نیست.

گام ششم: قفاری کلام را بدون سور کلی یا جزئی آورده است و این باعث شده است که چنین تصور شود که همه شیعیان چنین باوری دارند؛ پس این کلام مصداق مغالطه گزاره‌های بدون سور نیز است.

گام هفتم: در این جمله از سور کلی نما استفاده نشده است؛ پس این کلام مصداق مغالطه سورهای کلی نما نیست.

گام هشتم: از قالب (الف چیزی نیست جز ب) استفاده نشده است؛ پس این کلام مغالطه کنه و وجه نیست.

گام نهم: در این کلام، قفاری رابطه علی و معلولی را ذکر نکرده است؛ پس این کلام قفاری مصداق مغالطه علت جعلی نیست.

گام دهم و یازدهم: تا حدودی تفرد شیعه به باورهایی که ذیل کلام مذکور آورده شده، بزرگ‌نمایی شده است و از سوی دیگر کوچک‌نمایی اشتراکات شیعه با سایر مسلمین نیز انجام شده است؛ پس این کلام قفاری مصداق مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی است.

گام دوازدهم: خلاف واقع بودن تفرد شیعه به عقایدی که ذیل این سخن می‌آید نیز واضح است. پس این کلام مصداق مغالطه دروغ نیز هست.

گام سیزدهم: در این کلام نقل‌قولی نشده است. پس این کلام مصداق مغالطه نقل‌قول ناقص نیست.

گام چهاردهم: در این کلام قاری محتوایی از شیعه نقل نشده است تا در آن وجود تحریف بررسی شود. پس این کلام مصداق مغالطه تحریف نیست.

گام پانزدهم: در این کلام متنی از شیعه ذکر نشده است تا تفسیری از آن ارائه شده باشد. پس این کلام مصداق مغالطه تفسیر نادرست نیست.

نتیجه این کلام قفاری، مغالطه ابهام‌ساختاری، ترکیب مفصل، تفصیل مرکب، گزاره‌های بدون سور، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی و دروغ است.

۳-۵. نمونه سوم: ادعای انحصاری دانستن علم قرآن به ائمه در باور شیعه

قفاری می‌گوید: «وَكذا قولهم: إن علم القرآن عند الأئمة، وقد اقتصوا بمعرفة لا يشركهم فيه أحد...» (القفاری، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۲۵) همچنین معتقدند که علم قرآن، نزد ائمه است و شناختش تنها به آنان اختصاص دارد.

۵-۳-۱. روش مغالطه یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای اجمالاً می‌داند که انتساب این سخن به شیعه صحیح نیست؛ پس جمله مشکوک به مغالطه است.

مرحله دوم: قفاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد قرآن است؛ پس مقام تبیین است. مرحله سوم: گام اول: در این کلام از معانی متفاوت یک کلمه استفاده نشده است؛ پس مغالطه اشتراک لفظی نیست.

گام دوم: ساختار جمله باعث برداشت دو معنی متفاوت از این جمله نشده است؛ پس مغالطه ابهام ساختاری نیست.

گام سوم: اینجا دو جمله صحیح ترکیب شده و جمله اشتباهی را نتیجه داده است:
الف: علم قرآن نزد ائمه است. (صحیح)

ب: جمیع علوم قرآن اختصاص به ائمه دارد و دیگران چنین بهره‌ای ندارند. (صحیح)
ترکیب: علم قرآن (حتی معنی ظاهری)، نزد ائمه است و شناختش تنها به آنان اختصاص دارد. (غلط)

در اینجا دو جمله صحیح داریم که موضوع جمله دوم حذف شده و هر دو محمول، بر موضوع جمله اول بار شده است و ترکیب غلطی را به وجود آورده است. پس مغالطه ترکیب مفصل است.

گام‌های بعدی نیز همچون دو نمونه سابق باید اجرا شود.
نکته این‌که با توجه به محدودیت حجم مقاله، در نمونه‌های بعدی فقط یک گام به ترتیب گام‌های مذکور اجرا می‌شود تا همه مغالطات مقام تبیین ذکر شده باشد و محدودیت حجم نیز رعایت شده باشد.

۵-۴. نمونه چهارم: سوءاستفاده از قول منتسب به حضرت مهدی علیه السلام

قفاری می‌گوید: «قال الصدر عن الكافي: «ويعتبر (الكافي) عند الشيعة أوثق الكتب الأربعة»... وقال: يحكي أن الكافي عرض على المهدي فقال: «كاف لشيعتنا»... أنهم يقولون: إن الكافي...»

۱. کتاب‌هایی مثل تفسیر المیزان و سایر تفاسیر شیعی ذیل آیه تطهیر.

عرض علی «المعصوم» عندهم...» (القفاری، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۰) محمدصادق صدر در مورد کافی می‌گوید: «در میان کتاب‌های چهارگانه، کتاب کافی معتبرترین کتاب نزد شیعه است...» و گفت: آنان حکایت می‌کنند که کتاب «الکافی» بر مهدی عرضه شد و او گفت: «[کتاب] الکافی برای شیعیان ما کافی است» آنان بر این باورند... این کتاب به «امام معصوم» عرضه شده است...»

۵-۴-۱. روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای اجمالاً می‌داند که انتساب این سخن به شیعه صحیح نیست؛ پس جمله مشکوک به مغالطه است.

مرحله دوم: قفاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد قرآن است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام اول تا سوم: همچون نمونه‌های سابق اجرا می‌شود.

گام سوم و چهارم: این جمله مرکب است و حمل احکام بر موضوعات صحیح نیست؛ پس مغالطه ترکیب مفصل یا تفصیل مرکب صورت گرفته است.

وجه مغالطه:

جمله مرکب این است که آیت الله صدر می‌گوید «حکایت شده است که کافی بر حضرت مهدی عرضه شده است». اجزا این جمله عبارت‌اند از: ۱- حکایت شده است. ۲- کافی بر حضرت مهدی عرضه شده است.

اما قفاری با یک مغالطه تفصیل مرکب یک جز از این جمله مرکب صحیح را جدا کرده و می‌گوید: «می‌گویند کافی بر حضرت مهدی عرضه شده است» که جمله‌ای خلاف واقع است. چون آیت الله صدر فقط گفت که چنین حکایت شده است. توجه به این جمله مصداق مغالطه تعمیم شتاب زده نیز هست، چون (بنا بر فرض صحت انتساب این سخن به آیت الله صدر)، فقط یک نفر از شیعه چنین سخنی گفته است و تعمیم آن به همه شیعه دلیل ندارد. البته ما فعلاً در مقام بررسی چنین مغالطه‌ای نیستیم.

۵-۵. نمونه پنجم: ادعای ظهور شیعه به دنبال ظهور خوارج

قفاری می‌گوید: «فاقتتل المسلمون بصفین، مرقت المارقة... ثم حدث بعد بدعة الخوارج بدع

التشیع» (القفاری، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵). مسلمانان در «صفین» درگیر شدند... پس از بدعت خوارج، بدعت‌های تشیع بروز کرد.

۵-۵-۱. تبیین روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای ناسازگاری اجمالی این کلام قفاری با اندیشه‌های شیعه را احساس می‌کند؛ پس کلام مشکوک به مغالطه است.

مرحله دوم: قفاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد حجیت قرآن است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام اول تا چهارم: همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.

گام پنجم: واژه مبهم «بعد» در این جمله استفاده شده است؛ پس این کلام مصداق مغالطات واژه مبهم است.

قفاری می‌گوید بعد از بدعت خوارج بدعت تشیع ظاهر شد. به خاطر ابهام واژه «بعد» چنین فهمیده می‌شود که شیعه بلافاصله بعد از خوارج و به تبع خوارج و در فضای شکل‌گیری خوارج شکل گرفته است. در حالی که در مباحث آینده و در ذکر منشأ شیعه، قفاری (به‌زعم خودش) ظهور و بروز شیعه را بعد از شهادت امام حسین می‌داند (همان: ۷۸-۸۱). البته به‌راحتی نمی‌توان قفاری را ملزم به پذیرش این نقد کرد چون می‌تواند ادعا کند که منظور من از «بعد» چندین سال بعد بوده است نه اندکی بعد. در واقع خصوصیت این نوع مغالطه این است که به دلیل ابهام در واژه، هم یک معنی باطل را به مخاطب القا می‌کند و هم راه‌گریز برای گوینده قرار می‌دهد.^۱

۵-۶. نمونه ششم: ادعای تمرکز دعوت شیعه بر اهل سنت و رها کردن کفار

قفاری می‌گوید: وقد تحولت سفارات دولة الشيعة في إيران إلى مركز للدعوة إلى مذهبها في صنف الطلبة، والعاملين المسلمين في العالم. وهي تهتم بدعوة المسلمين أكثر من اهتمامها بدعوة الكافرين (همان: ۹). در واقع، مراکز فرهنگی و سفارت‌خانه‌های دولت شیعه ایران در خارج از کشور، به مرکز شیعه‌پروری دانشجویان و کارگران مسلمان در جهان تبدیل

۱. توجه: بقیه گام‌ها نیز همچون نمونه‌ای سابق اجرا می‌شود.

شده است؛ و جای بسی شگفتی است که آخوندهای شیعه، بیش از آنکه در اندیشه دعوت کافران به اسلام باشند و به این مهم اهمیت نشان دهند، در اندیشه دعوت مسلمانان به شیعه‌گری هستند.

۵-۶-۱. تبیین روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای ناسازگاری اجمالی این کلام قفاری با اندیشه‌های شیعه را احساس می‌کند؛ پس کلام مشکوک به مغالطه است.

مرحله دوم: قفاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد حجیت قرآن است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام اول تا ششم: همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.

گام هفتم: در این جمله از سور کلی نمای «اکثر من» استفاده شده است؛ پس این کلام مصداق مغالطه سورهای کلی نما است.

«اکثر من» در جمله «وهی تهتم بدعوة المسلمین اکثر من اهتمامها بدعوة الکافرین» یک سور کلی نما است که گرچه کلی نیست اما به مخاطب القا می‌کند که تمام هم‌وغم شیعه دعوت اهل سنت به شیعه است و دعوت کفار برای آنها چندان اهمیتی ندارد. البته باوجود القای کلیت این سخن به مخاطب، همواره راه گریز برای گوینده باز است چون سور قضیه حقیقتاً کلی نیست و لبه تیز مغالطه نیز همین جا است که جمله کلی نیست اما به نوعی کلیت و تعمیم را می‌رساند.

توجه: گام‌های بعدی نیز همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.

۵-۷. نمونه هفتم: ادعای اینکه شیعیان چیزی جز زندیق نیستند

قفاری می‌گوید: «ولا شك بأن بیان حال الفرق الخارجة عن الجماعة، والمجانبة للسنة ضروری... فإن أتباع تلك الطوائف هم ما بین زندیق، أو جاهل، ومن الضروري تعليم الجاهل، وكشف حال الزندیق ليعرف ويحذر» (همان: ۶). بی‌تردید، بیان حال و روشنگری در مورد فرقه‌های جداشده از جماعت مسلمانان و کسانی که از سنت نبوی فاصله گرفته‌اند و نیز بیان حقیقت برای مردم و نشر و تبلیغ دین خداوند متعال و اقامه حجت بر این فرقه‌ها، برای دفع شبهه ضروری است

تا هر کس که فرار است گمراه و هلاک گردد، حجت علیه او اقامه شده باشد و آنان که راه حق را می‌پذیرند، با آگاهی و دلیل آشکار باشد.

۵-۷-۱. تبیین روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای ناسازگاری اجمالی این کلام قفقاری با اندیشه‌های شیعه را احساس می‌کند؛ پس کلام مشکوک به مغالطه است.

مرحله دوم: قفقاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد حجیت قرآن است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام اول تا هفتم: همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.

گام هشتم: قفقاری از قالب (الف چیزی نیست جز ب) استفاده کرده است؛ پس این کلام مغالطه‌کننده و وجه است.

همان‌طور که ذکر شد، قالب و صورت این مغالطه چنین است: «(الف) هیچ چیز نیست به جز صفت (ب)» یا به عربی: «الف لیس الا ب». البته معمولاً قالب ریزی این قدر دقیق نیست اما می‌توان بدون تحریف در کلام گویند آن را در چنین قالبی جای داد. حال با جایگزین کردن عبارت قفقاری مغالطی بودن آن روشن‌تر می‌شود. (أتباع تلك الطوائف) لیس الا (زندیق، أو جاهل)؛ (پروان آن فرق) هیچ چیز نیستند جز (زندیق و جاهل). این سخن علاوه بر بدیهی‌البطالان بودن، تکفیر بسیاری از مسلمان است. با این دید، تمام شیعیان اعم از امامیه و زیدیه و... و بسیاری از فرق اهل سنت همچون معتزله و... یا باید جاهل باشند یا زندیق؛ و با توجه به جاهل نبودن علمای فرق از یک سو و منحصر کردن قفقاری پروان این فرق را بین زندیق و جاهل، از سوی دیگر، علمای این فرق همه زندیق‌اند.^۱

۵-۸. نمونه هشتم: ادعای اختلاف روایات شیعه در تعداد ائمه

قفقاری می‌گوید: «كما أنك ترى الكافي أصح كتبهم الأربعة قد احتوى على جملة من أحاديثهم تقول بأن الأئمة ثلاثة عشر. فقد روى الكليني بسنده عن أبي جعفر قال: قال رسول الله ﷺ: إني واثني عشر إماماً من ولدي وأنت يا علي زرّ الأرض - يعني أوتادها وجبالها - بنا أوتد الله الأرض أن تسيخ بأهلها،

۱. توجه: بقیه گام‌ها همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.

فاذا ذهب الاثنا عشر من ولدی ساخت الأرض بأهلها ولم ينظروا» (قفقاری، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۶۸) همچنین صحیح‌ترین کتاب شیعه — «الکافی» — مشتمل بر احادیثی است که تعداد ائمه را سیزده نفر می‌داند. کلینی با سند خود از ابوجعفر باقر روایت می‌کند که گفت: رسول خدا فرمود: من و دوازده عدد از فرزندانم و تو ای علی، بند و قفل زمین هستیم؛ یعنی میخ‌ها و کوه‌های زمین. خدا با ما زمین را کوبیده و نمی‌گذارد مردم در زمین فرو روند. وقتی که آن دوازده نفر درگذشتند، زمین اهل خود را فرو می‌برد و دیگر مهلت داده نمی‌شوند.

۵-۸-۱. تبیین روش مغالطه‌یابی

مرحله اول: هر شیعه‌ای ناسازگاری اجمالی این کلام قفقاری با اندیشه‌های شیعه را احساس می‌کند؛ پس کلام مشکوک به مغالطه است.
مرحله دوم: قفقاری در مقام تبیین عقاید شیعه در مورد حجیت قرآن است؛ پس مقام تبیین است.

مرحله سوم: گام‌های اول تا سیزدهم: همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.
گام چهاردهم: در این کلام اضافه کردن لفظ صورت گرفته است؛ پس این کلام مصداق مغالطه تحریف است.

قفقاری لفظ «اماما» را که در روایت نبوده وارد روایت کرده است تا معنی مورد نظر خودش را برداشت کند؛ پس این کلام قفقاری مغالطه تحریف لفظی است (نجارزادگان و قاسمی، ۱۳۹۴: ۷۵-۹۴).^۱

نتیجه‌گیری

یکی از پرکاربردترین روش‌های شبهه‌سازی وهابیت، مغالطه است. نقدهای فراوانی نیز بر این مغالطات نوشته شده است که انصافاً خوب از عهده ابطال و حتی آموزش روش ابطال آن مغالطات برآمده‌اند؛ اما با اینکه اول باید به وجود مغالطه پی برد و سپس به نقد و ابطال آن پرداخت، بررسی‌ها نشان داد که در همه یا اغلب این آثار، هیچ اشاره‌ای به روش یافتن مغالطه نشده است. این نوشته با طراحی و آموزش روش مغالطه‌یابی، جای خالی این امر را

۱. توجه: گام‌های بعد نیز همچون نمونه‌های قبل اجرا می‌شود.

پرکرده است. البته با توجه به محدودیت حجم مقاله، فقط روش یافتن مغالطات مقام تبیین ذکرشده است و از محققین بزرگوار انتظار می‌رود با تبیین روش‌های یافتن سایر مغالطات، این پژوهش را تکمیل کنند. ما برای تحقق این مهم، نخست مغالطات مقام تبیین را ذکر کردیم. سپس به مراحل یافتن این مغالطات پرداختیم که عبارت بودند از: ۱. جداسازی مطالب مشکوک به مغالطه ۲. جداسازی مطالب مقام تبیین ۳. آزمون انطباق تعریف هر مغالطه بر متن مشکوک (در پانزده گام، به تعداد مغالطات مقام تبیین). در نهایت نیز برای تفهیم بهتر، در قالب نمونه‌هایی این روش پیاده‌سازی شد.

فهرست منابع:

- آل ابوطامی، أحمد بن حجر بن محمد (۱۴۰۶). الشيخ محمد بن عبد الوهاب عقيدته السلفيه و دعوته الاصلاحيه. الرياض، دارالهدايه
- ادواردز، پل (۱۹۷۲). دائره المعارف فلسفه. آمريکا، مک ميلان.
- اسپوزيتو، جانل (۱۳۹۱). دائره المعارف جهان نوين اسلام. (مترجمان، حسن طارمی؛ محمد دشتی؛ مهدي دشتی). تهران، کنگره، کتاب مرجع.
- افروغ، عماد (۱۳۷۹). فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگ. تهران، مؤسسه فرهنگ و دانش.
- القفاري، ناصر بن عبدالله (۱۴۱۴). أصول مذهب الشيعه الإماميه الإثني عشرية - عرض و نقد. المملكة العربية السعودية.
- امين، سيد محسن (بی‌تا). كشف الازتياب في أتباع محمد بن عبد الوهاب. مكتبة الحرمين.
- بستاني، فوادافرام (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی. تهران، اسلامی.
- بن باز، عبد العزيز بن عبدالله (۱۳۸۵). الامام محمد بن عبد الوهاب، دعوته وسيرته. المملكة العربية السعودية - المدينة.
- بن بشر، عثمان بن عبدالله (۱۴۰۲). عنوان المجد في تاريخ النجد. رياض، مطبوعات دار الملك عبدالعزيز.
- بيرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران، کيهان.
- تجليل، ابوطالب (۱۳۹۱). تنزيه الشيعه الاثني عشرية عن الشبهات الواهيه. قم، المجمع العالمي لاهل البيت عليه السلام.
- حسينی قزوینی، سيد محمد (۱۴۳۰). نقد کتاب أصول مذهب الشيعه. قم، مؤسسه ولی العصر للدراسات الإسلامية.
- حقيقت، سيد صادق (۱۳۸۵). روش شناسی علوم سیاسی. تهران، دانشگاه مفید.
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۴). مغالطات. قم، بوستان کتاب.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران، دانشگاه تهران.
- ژيلسون، اتين (۱۳۸۰). نقد تفکر فلسفی غرب. تهران، سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش های تحقيق در علوم اجتماعی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سيمپسون، جان؛ و واينر، ادموند (بی‌تا). فرهنگ آکسفورد. انگلستان، دانشگاه آکسفورد.
- شيرازی، قطب الدين (۱۳۸۳). شرح حکمة الإشراف. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- صليبا، جميل (۱۳۹۳). فرهنگ فلسفی. تهران، حکمت.
- طوسی، خواجه نصيرالدين (۱۳۲۶). اساس الاقتباس. (محقق، محمدتقی مدرس رضوی). تهران، دانشگاه تهران.

- عابدی، احمد (بی تا). توحید و شرك در نگاه شیعه و وهابیت. تهران، مشعر.
- علیزاده موسوی، سید مهدی (بی تا). درس نامه وهابیت.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۹). جریان شناسی سلفی گری در ایران. قم، زمزم هدایت.
- معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران، امیرکبیر.
- موسسه سراج منیر توحید، دوفصلنامه علمی تخصصی سلفی پژوهی، (۲)، ۷۵-۹۳.
- نجازادگان، فتح اله؛ قاسمی، ابوالفتح (۱۳۹۴). بررسی و نقد منهج قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعة.
- فرقه وهابیت (۱۳۹۳، ۱ آبان). بازیابی از <http://rkhi.ir/policy/jaryanshenasi/vahabiyat/>
- مؤسسه موحدین (۱۴۳۸). ترجمه کتاب أصول مذهب الشیعة الإمامیة الاثنی عشریة. کتابخانه الکترونیکی قلم. بازیابی از www.qalamlib.com
- مجلس شورای ملی (۱۳۱۴). قانون مدنی (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران). بازیابی از <https://qavanin.ir/Law/TreeText/178971>